



# سه سخنرانی

ویژه شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

و ایام امامت حضرت مهدی ارواحنا فدا

۷، ۸ و ۹ ربیع الاول

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

استان خراسان رضوی

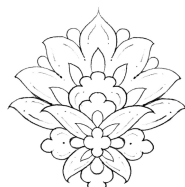
واحد پژوهش

مدیریت ۳۲۲۸۲۸۴۵ - واحد برادران ۳۲۲۲۶۴۳۷ - واحد خواهران ۳۲۲۲۱۶۷۰ - @mahdaviat313m

مشهد مقدس، بلوار مدرس، بین مدرس ۸ و ۱۰، ساختمان آموزش و پرورش، طبقه اول (برادران) و پنجم (خواهران)

## فهرست

موضوع .....	صفحه
۷ ربیع الاول: شب شهادت امام حسن عسکری علیه السلام .....	۱
۸ ربیع الاول: سالروز شهادت امام حسن عسکری و آغاز امامت حضرت مهدی علیهما السلام .....	۸
۹ ربیع الاول: سالروز بیعت با منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف .....	۱۳
معرفی کتاب .....	۱۹
کتابنامه .....	۱۹
ضمیمه (خلاصه‌ای از چند کتاب پیرامون نهم ربیع الاول) .....	۲۰



## ۷ ربیع الاول

### شب شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

**ابراهیم، اهل سنت و مالکی<sup>۱</sup> بود.** در سفر به پاریس در سال ۱۳۵۷ شمسی با آقا سیدروح الله دیدار کرد. او پس از این دیدار و تاثیر شگفت‌انگیزی که از حضرت روح الله و از انقلاب اسلامی می‌گیرد و با مطالعه‌ی کتب گوناگون، شیعه می‌شود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم می‌شود. ابراهیم پس از بازگشت به کشورش، جنبش اسلامی را راه‌اندازی می‌کند. حدود ۳۰۰ مدرسه اسلامی در کشورش و کشورهای همسایه تأسیس می‌کند. دخترش نسیمه می‌گوید با تلاش‌های پدرم ۱۲ میلیون نفر شیعه شده‌اند. (البته این خبر، برای چند سال پیش است و آمار امروز بسیار فراتر از این است).

حکومت که تحمل گرایش مردم به حق را نداشتند، به زور رو آوردند و در راهپیمایی روز قدس سال ۱۳۹۳ تعدادی از شیعیان از جمله ۳ فرزند ابراهیم را کشتند! در مراسم اربعین سال ۱۳۹۴ نیروهای ارتش دوباره ده‌ها تن از مردم شیعه شده را کشتند! و در ابتدای ربیع‌الاول سال ۱۳۹۴ (یعنی مثل همین روزها) خودش و همسرش را دستگیر و زندانی کردند.

دادگاه بالاخره در آذر ۱۳۹۵ حکم آزادی ابراهیم و همسرش را صادر کرد اما با این حال آنها آزاد نشدند! در سال ۱۳۹۶ شایعه کرده بودند که او در زندان مُرده اما در دی‌ماه ۱۳۹۶ ابراهیم در جمع خبرنگاران حضور یافت. ابراهیم که حالا پیرمردی شده و محاسن سفید کرده، چند ماه بعد در تماسی تلفنی با فرزند خود، کشتار شیعیان در شهر زاریا را ناشی از کمک مالی دولت عربستان سعودی به ارتش کشورش دانست.

**نما ابراهیم را می‌شناسید.** شیخ ابراهیم زکزاکی! مرد سُنی مالکی مذهبی که شیعه شد و ده‌ها میلیون نفر را در نیجریه شیعه کرد و البته در این راه، ۶ فرزندش را کشتند! زانوهای همسرش در زندان از کار افتاد و خودش تا مرز شهادت مجروح شد و رنج شکنجه و زندان کشید. ولی ما در کشور ایران اسلامی با این امنیت بالا قرار داریم و برای حفظ ارزش‌ها از دماغمان هم قطره خونی نیامده است. ان‌شاءالله قردان باشیم و برای رشد و استقلال کشورمان دغدغه‌مند و فعال باشیم تا در پیشگاه حضرت زهرا سلام الله علیها آبرومند باشیم.

دنیا به کام ماست که کام جهان تویی اینک زمان ماست، امام زمان تویی  
امید دست خالی مستضعفان تویی آوای عاشقانه‌ی پیر و جوان تویی  
ما شیعه‌ایم پا به رکاب ولایتیم آری طلایه‌دار مسیر شهادتیم

<sup>۱</sup> مالکی فرقه‌ای از اهل سنت هستند که به فقه "امام مالک بن انس" عمل می‌کنند. (مذاهب چهارگانه اهل سنت، چهار مذهب فقهی حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی است که هر کدام از مسلمانان سنی در مسائل فقهی پیرو یکی از این مذاهب هستند. حنفی پیروان ابوحنیفه، مالکی پیروان مالک بن انس، شافعی پیروان محمد بن ادریس شافعی و حنبلی پیروان احمد بن حنبل هستند).

عزیزان! همه‌ی من و شما امروز خوب می‌دانیم که این دشمنی‌های مستکبرین فقط مربوط به نیجریه نیست. در نقاط مختلف جهان؛ در هر زمان و هر مکانی که قُلدران احساس خطر کنند و بتوانند ضربه بزنند، چنین خواهند کرد. از زمان آدم ابوالبشر تا خاتم اوصیاء، از علی تا مهدی سلام الله علیهم اجمعین این مسأله بوده و ادامه دارد تا خدا چشم مردم دنیا را به ظهور حجتش روشن کند.

### در ایام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، پدر گرامی امام مهدی علیه السلام هستیم.

ضمن تسلیت به محضر امام زمان علیه السلام و شیعیان حضرتش، چقدر خوب است از این فرصت استفاده کنیم و چند دقیقه‌ای با پای دل، به دوران زندگی ایشان سفر کرده و از دریچه‌ی دیگری به زندگی امام یازدهم و اوضاع پیرامونش بنگریم. اگر به محل زندگی امامان تأمل کنیم متوجه می‌شویم که محل زندگی امام حسن عسکری با دیگر امامان تفاوت دارد؛ مکه و مدینه کجا؟ بغداد و سامرا کجا؟ (درست است که امام کاظم مدتی در زندان و امام رضا به طوس منتقل شدند اما زندگی امام حسن عسکری از جهت مدت زمان و مقدار محدودیت، شدت پیدا کرد) در یک جمله عرض کنم که شرایط زمانه‌ی ایشان بسیار خفقان و عملکرد حاکمان بسیار ظالمانه بود بویژه بر شیعیان! در این باره می‌توانید کتاب تاریخ غیبت صغری (انتشارات مؤسسه آینده روشن) را ملاحظه و مطالعه بفرمایید.

**حاکمان طاغوت به دلیل اینکه شنیده بودند** فرزندی از امام عسکری متولد می‌شود که بساط ظلم ظالمین را در هم خواهد شکست که «این هادِمُ اَبْنِیَةِ الشَّرْکِ وَ النَّفَاقِ»<sup>۱</sup> لذا امام هادی علیه السلام را به سامرا منتقل کردند و فرزندش امام حسن را در منطقه‌ای نظامی، به شدت تحت کنترل و مراقبت داشتند و ایشان را محدود کرده بودند. پس از انتقال امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا، آن حضرت به شدت تحت مراقبت و کنترل بود! لذا به دلیل شرایط نامساعد و محدودیتهای فراوانی که وجود داشت، هنگام شهادت امام هادی حتی عده‌ای از شیعیان از امامت امام حسن عسکری اطلاع نداشتند! چه رسد به اطلاع از تولد منجی موعود در فشار و خفقان بیشتر!<sup>۲</sup> در نهایت هم امام یازدهم را در سن ۲۸ سالگی ترور کردند و به شهادت رساندند. یعنی مدت زندگی بعضی از ماها بیشتر از ایشان است! آیا خون ما از خون ایشان رنگین تر است؟! پس ببینید که چقدر مساله برایشان مهم بود و ظهور منجی را جدی گرفته بودند که البته جدی هم بود و در نهایت پدرش را کشتند!

**پیامبر فرمودند:** از فرزندان حسینم، نه امامند که نُه‌می آنها قائم فرزندان من است، اطاعت آنها اطاعت من، و نافرمانی آنها نافرمانی من است. به خدا شکایت می‌برم از آنها که منکر فضل ایشان و نابود کننده‌ی حقشان هستند. خدا برای دوستی و یاری امامان و انتقام از منکرین حقشان کافی است «و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ به زودی آنان که ستم کردند خواهند دانست که به چه جایی بازگشت می‌کنند».<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دعای ندبه.

<sup>۲</sup> برگرفته از درسنامه مهدویت، سلیمان، ج ۱، ص ۱۵۷.

<sup>۳</sup> اثبات الهداة، ج ۲، ص ۷۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۱؛ شعراء، آیه ۲۲۷.

**امروز هم دشمن بیکار نمی‌نشیند** و اگر دستش برسد شخصیت‌ها، مغزها و استعدادهایی که در مسیر توحید هستند را ترور می‌کند و به شهادت می‌رساند. فقط آمار شهدای ترور بعد از انقلاب اسلامی حدود ۱۷۰۰۰ تن بوده که اسامی تک‌تک آنها موجود است.<sup>۱</sup> تعداد کمی نیست انصافاً! هفده هزار نفر!!! اگر دشمنان قابل هدایت نیستند، خدا لعنتشان کند و مردم دنیا را برای نابودی‌شان متحد و موفق کند ان‌شاءالله. امروز هم یکی از برنامه‌های سرویس‌های اطلاعاتی صهیونیستی پیدا کردن امام مهدی علیه السلام است که خدا آنها را ابتر و کارهایشان را بی‌اثر قرار بدهد.

امام حسن عسکری علیه السلام تنها ۲۸ بهار را درک نمود اما فقط **شیخ طوسی تعداد شاگردان ایشان را** بیش از یکصد تن ثبت کرده! در میان آنها، چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و وارسته‌ای به چشم می‌خورد؛ مانند: احمدبن اسحاق، ابوهاشم، عثمان بن سعید، علی بن جعفر، محمدبن حسن صفار و دیگران ... که نشان می‌دهد امام در امور امامت حتی در آن شرایط سخت، (و بدون تجهیزات ماهواره‌ای و رسانه‌ای قرن ۲۱) بهترین شیوه‌ها را به کار می‌بردند و فعال بودند، هرچند نامحسوس و محرمانه.<sup>۲</sup> رشد چشمگیر شیعیان در نقاط مختلف؛ سازمان‌دهی، مدیریت و رهبری آنها به واسطه‌ی وکیلان، همچنین حفظ شیعیان از پراکندگی ... از جمله اقدامات مهم امام یازدهم بود.

امام عسکری علیه السلام نسبت به ولادت منجی وعده داده شده، **دو مسئولیت مهم** داشت، که همزمان باید مراقب هر دو مسأله می‌بود: ۱. اثبات وجود امام دوازدهم برای برخی دوستان (تا شواهد ولادت در تاریخ بماند)

۲. حفظ جان ایشان از دشمنان

**دو نمونه از اعلام رسمی و گسترده‌ای** که امام عسکری بعد از تولد فرزندش انجام دادند تا سینه به سینه نقل شود و سندی در تاریخ بماند را به شما عرض می‌کنم:

- مثلاً ایشان در سومین روز تولد فرزندش، او را به بعضی شیعیان خاص نشان داده و وظیفه آنها را در برابر امام دوازدهم مشخص کرده و فرمودند: «او سرپرست و جانشین من برای شما بعد از من است؛ او همان قیام کننده‌ایست که گردن‌ها در انتظارش دراز شود. آنگاه که زمین از ظلم پُر شده خروج کرده و آن‌را از عدل پُر می‌کند».<sup>۳</sup>
- گسترده‌ترین اعلانی که امام درباره‌ی ولادت فرزندش و تاکید بر امامت و وجوب اطاعتش داشتند، چند روز قبل از وفاتشان بود. (یعنی چندروز قبل، مثل همین ایام): در جمعی که ۴۰ تن از پیروان مخلص حضرت در مجلس بودند، از جمله: محمد بن عثمان، محمد بن ایوب بن نوح، معاویه بن حکیم. حضرت در حضور آنها فرزندش را نشان داد و فرمود: «این امام و جانشین من بر شما بعد از من است، از او اطاعت کنید و پس از من متفرق نشوید که در دین خود هلاک می‌شوید» و تاکید کردند که این تنها فرصت دیدار اوست و پس از امروز، شما او را نمی‌بینید.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> قابل مشاهده در سایت هایلیان؛ پایگاه خبری تحلیلی مطالعات تروریسم

<sup>۲</sup> کمال الدین، ج ۱، مقدمه؛ رجال، طوسی، ص ۴۲۷.

<sup>۳</sup> کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۸.

<sup>۴</sup> کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶.

در طول این مدت هم (از تولد تا پنج سالگی) امام ایشان را به صورت خصوصی به افراد مورد اعتماد نشان می‌داد و معرفی می‌کرد. در جلد دوم کتاب کمال الدین و تمام النعمه، باب ۴۳ نوشته: «کسانی که حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌اند» و حدود ۲۵ مورد را نوشته است:

- احمد بن اسحاق قُمی می‌گوید: از مولایم امام حسن علیه السلام به جَدَم نامه‌ای رسید که در آن "با دستخط خود ایشان" نوشته بود: برای ما فرزندی متولد شده و باید نزد تو مستور و از مردم پنهان بماند که ما جز به خویشان و دوستان اظهار نکنیم! خواستیم خبر ولادتش را به تو اعلام کنیم تا خداوند تو را شاد کند همچنان که ما را شاد کرد. و السلام. [متن نامه: وَوَلَدْنَا مَوْلُوْدُ فَلَیْکُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَ عَنِ جَمِیْعِ النَّاسِ مَكْتُومًا، فَإِنَّا لَمْ نُنْظَهُرْ عَلَیْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِیَّ لَوْلَا یَتِهِ، أَحَبَّبْنَا إِعْلَامَكَ لِیَسْرُکَ اللَّهُ بِهِ، مِثْلَ مَا سَرَّنَا بِهِ، وَ السَّلَام].<sup>۱</sup>

- یا بعدها خود احمد بن اسحاق (از شاگردان بسیار خوب امام عسکری که از وکیلان امام با مردم بود) می‌گوید: اموالی از شیعیان را به محضر امام بُردم تا به ایشان تقدیم کنم. فرزند خردسال حضرت با چهره‌ای که مانند ماه درخشان و زیبا بود در کنار امام حضور داشت. امام رو به فرزندشان کردند و فرمودند: «پسرم! هدایای شیعیان و دوستانت را باز کن» آن کودک گفت: «مولای من! آیا درست است که دست پاکم را به سمت هدایای ناپاک و اموال مخلوط به حرام ببرم؟!» امام عسکری به من فرمودند: «احمد بن اسحاق، آنچه در میان اینهاست را بیرون بیاور تا حلال و حرامش را جُدا کند» اولین کیسه را بیرون آوردم. کودک گفت: این کیسه از فلان شخص از فلان محله است [نام و مشخصات زندگیش را گفت] در آن ۶۲ اشرفی است. ۴۵ اشرفی از فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدرش به ارث برده و ۱۴ دینارش از فروش نُه لباس و ۳ دینارش هم از اجاره مغازه‌هاست». امام عسکری تایید کردند و به پسرش فرمودند که مرا راهنمایی کند. کودک با دقت جالب توجهی، تمام سکه‌های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودنشان را گفت. کیسه‌ای بیرون آوردم و نام و نشانش را گفتم. آن کودک گفت: «در آن کیسه، ۵۰ اشرفی است که دست زدن به آن برای ما روا نیست» علت ناپاکی آن اموال را یک به یک فرمود و امام عسکری هم تایید کردند. سپس امام رو به من فرمودند: همه را به صاحبانشان برسان، ما را نیازی به آن نیست ...<sup>۲</sup>

### یا نمونه‌های دیگری که امام، فرزندشان را به آن افراد نشان می‌دادند:

مانند بعضی علماء مثل سعد بن قمی، عثمان بن سعید ... یا بعضی خدام مثل ابونصر خادم امام عسکری و دیگران ... شاید به جرأت بتوان گفت که اگر آن درایت و مدیریت امام حسن عسکری علیه السلام نبود، امروز هیچ شیعه‌ی دوازده امامی بر روی کره زمین وجود نداشت!

<sup>۱</sup> کمال الدین، باب ۴۲، ح ۱۵.

<sup>۲</sup> کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱.

## دو کتاب معرفی کنم:

برای کسانی که وجود امام را از دلیل عقلی می‌خواهند بررسی کنند: کتاب «دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت، رحیم لطیفی» / و برای کسانی که از اسناد و مدارک تاریخی می‌خواهند تولد حضرت مهدی برایشان ثابت شود: کتاب «میلاذ؛ مجموعه مقالات درباره تولد امام عصر علیه السلام» که این کتب را از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام می‌توانید تهیه کنید. (شعبه استان خراسان رضوی: بلوار مدرس، بین ۸ و ۱۰ - ۳۲۲۲۱۶۷۰ خاهران، ۳۲۲۲۶۴۳۷ برادران)

**ابوالآدیان (خدمتکار امام عسکری) می‌گوید:** امام حسن علیه السلام در آخرین روزهای عمر شریفشان، نامه‌هایی را به من داد و فرمود: «اینها را به شهر مدائن برسان. پس از پانزده روز به سامراء باز می‌گردی و از خانه‌ی من، صدای ناله می‌شنوی، و [بدن] مرا در محل غسل خواهی دید». گفتم: «ای سرور من! چون چنین اتفاقی بیفتد، امام و جانشین شما که خواهد بود؟» فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو بخواهد» گفتم: «نشانه‌ی دیگری بفرمایید»، فرمود: «کسی که از آنچه در کیسه‌هاست خبر دهد، او امام پس از من است». هیبت و شکوه امام مانع شد که بپرسم در آن کیسه‌ها چیست.

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آن‌ها را گرفتم.

همانطور که امام فرموده بودند روز پانزدهم وارد سامراء شدم. صدای ناله و فریاد از منزل امام به گوشم می‌رسید! بدن مطهر امام را در محل غسل دیدم. در آن حال جعفر، برادر امام را دیدم که بر در خانه امام ایستاده و جمعی از شیعیان او را به جهت مرگ برادر تسلیت و به علت امامتش تبریک می‌گفتند. با خود گفتم: اگر این جعفر امام باشد که امامت، تباه می‌شود! چون او را می‌شناختم که اهل شراب و قماربازی و تارزنی است. در پی نشانه‌ها بودم. جلو رفتم و مانند دیگران تسلیت و تبریک گفتم. ولی او درباره هیچ چیز از من سؤال نکرد. ناگهان عقید [یکی از خدمتکاران] از خانه بیرون آمد و خطاب به جعفر گفت: «ای سرور من! برادرت کفن شده، برخیز و بر او نماز بخوان». من همراه جعفر و جمعی از شیعیان، داخل خانه امام شدیم و امام یازدهم را کفن شده بر تابوت دیدیم.

جعفر جلو رفت تا بر برادرش نماز بخواند. ولی تا خواست تکبیر بگوید کودکی گندم‌گون آمد، لباس جعفر را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز بر پدرم سزاوارترم» جعفر با چهره‌ای رنگ پریده، عقب رفت. آن کودک جلو رفت و بر بدن امام نماز خواند.

بعد از نماز به من فرمود: «جواب نامه‌هایی که همراه داری به من بده» نامه‌ها را به او دادم و با خودم گفتم: این دو نشانه [از نشانه‌های امامت] و جریان کیسه باقی مانده بود. نزد جعفر رفتم و او را دیدم که آه می‌کشید. یکی از شیعیان از او پرسید: «این بچه کیست؟!» جعفر گفت: «به خدا قسم که هرگز او را ندیده و نمی‌شناسم!» (ببینید! چقدر موقعیت حساس بوده که حتی برادر امام به دلیل اینکه نا اهل است حتی حضرت را یکبار ندیده و خبری از ایشان نداشته)

ابوالادیان می‌گوید: ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از امام حسن عسکری علیه السلام سراغ گرفتند. چون از شهادت امام باخبر شدند گفتند به چه کسی تسلیت بگوییم؟ مردم به جعفر اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و تسلیت گفتند. سپس پرسیدند: «همراه ما نامه و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست و اموال چقدر است؟» جعفر برآشفت! از جا برخاست و گفت: «از ما علم غیب می‌خواهید؟!» در این حال، خدمتکاری بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست [نام و نشان‌شان را گفت] و نیز کیسه‌ای با شماست که در آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده». آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: «آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده، امام است...»<sup>۱</sup>

**از خدا بخواهیم** ما را در این دروان پُر فتنه‌ی آخرالزمان بر ارزشها ثابت‌قدم قرار بده و حرکت در راستای تقویت ایران اسلامی و مبارزه با استکبار و منافقین و ضعیف شدن آنها را توفیق بده.

**ظهور امام زمان علیه السلام امنیت نسبی هم لازم دارد.** بنابراین هرچه مردم عدالت‌خواه در نقاط مختلف دنیا، قوی‌تر شوند زمینه‌ی بهتری برای ظهور امام زمان علیه السلام آماده شده است. اشاره‌ای کنم به جمله رهبر عزیزمان در اول فروردین سال ۱۳۹۳ که ایشان فرمودند: «ملت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است... اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند. بعضی ملت‌ها هستند که تا قوی شدن فاصله‌ی زیادی دارند؛ امیدی وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن کلفت‌های عالم ایجاد کنند؛ اما ملت ما این جور نیست؛ ما استعداد قوی شدن، زیاد داریم؛ امکانات و ظرفیت‌ها هم زیاد داریم؛ ملت ما به سمت اقتدار ملی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است.

**در این شب شهادت، توسلی کنیم** و امام حسن عسکری را واسطه قرار بدهیم: یا اَبَامُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

همانگونه که دلتنگم برای کربلا، آقا همان مقدار می‌سوزم ز هجر سامرا، آقا تو تنها می‌روی ما را ببر دنبال خود یک شب ز سرداب مقدس تا نجف تا نینوا، آقا

کنار مضجع پاک امام عسکری خوب است زیارتنامه خواندن از تو و گریه ز ما، آقا کنار جدّ تو هادی، بابایت حسن، آری صفا دارد که با زهرا شود دل هم‌نوا، آقا

سامرا که میری، عمه (حکیمه خاتون) کنار پسر برادر هست، و امام عسکری و همسر کنار هم هستن، همه دور هم‌اند ... اگه بررسی: حکیمه خانم عمه امام حسن! آیا شما لطمه یا صدمه‌ای خورده‌اید یا نه؟ چی می‌فرماید: نه ...

<sup>۱</sup> کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲.



همانجا یاد باید کرد، یاد عمه‌ی سادات اسیری را، غریبی را، یتیمی تو را، آقا  
اسیری و غریبی چاره دارد ای گل زهرا تو خود بر اشک چشمان یتیمان کن دعا، آقا

روضه بخونم، روضه‌ی امام عسکری سلام الله علیه:

هر جایی رفتی مراسم ترحیم، صاحب عزا دم در می‌ایسته، خوش آمد میگه. امشب صاحب عزا، خود امام زمانه، دم در ایستاده خوش آمد میگه: آی عزادارای پدرم! خوش اومدید ... بگیم آقا جان! ما امشب اومدیم خودمونو بهت نشون بدیم ... ما هم اومدیم آقا، اما شما رو ندیدیم یوسف فاطمه!

صدا زد خادمش رو، ظرف آبی برایش بیاره، میگه: ظرف آب رو برداشت آورد، داد دست امام حسن، فرمود: آی خادم! برو پسر مهدی رو خبر کن، مهدیم بیاد... اینجا امام حسن پسرش مهدی رو صدا زد. یه مادری هم من میشناسم، پسرش مهدی رو صدا زد، ما بین در و دیوار: مهدی جان! بیا کمک مادرت ...

اومد امام زمان من و تو... کنار پدرش، ظرف آبی رو برداشت، با دستای مبارک خودش نزدیک دهان امام حسن... اینقدر امام ضعیف شده، می‌لرزه، ظرف رو آورد جلو ... نقل شده: امام حسن شروع کرد گریه کردن... بابا! چرا گریه می‌کنی؟ گفت: برای تو گریه می‌کنم، خیلی غریبی، بعد از من بیابون گرد میشی ... بعد از من خیلی بی‌کس میشی...

شاید وقتی ظرف آب رو جلو امام حسن آمد، یاد لبهای خشکیده‌ی حسین هم افتاده باشه، یاد اون لحظه‌ای که راوی میگه: دیدم از لب‌های پسر فاطمه داره خون جاری میشه ... لبها خشکیده است! ظرف آب رو برداشتم برا حسین آب ببرم، تا اومدم توی گودال دیدم اون نانجیب داره بالا میاد. برای کی داری آب می‌بری؟ گفتیم: مگه نمی‌بینی حسین فاطمه تشنه است؟ گفت: نمی‌خواد آب ببری، الآن خودم سیرابش کردم... دیدم بدنش داره می‌لرزه، چرا بدنت داره می‌لرزه؟! صدا زد: آخه اون لحظه‌ای که نشستیم رو سینه حسین، صدایی شنیدم: "بُنی ... پسر م ... حسین ..."

على لعنة الله على القوم الظالمين

## ۸ ربیع الاول

### (سالروز شهادت امام حسن عسکری و آغاز امامت حضرت مهدی علیهما السلام)

**صدای اذان از رادیوی ماشین به گوش می‌رسید.** جوانی در کنارم نشسته بود، بلند شد به طرف راننده رفت و خیلی محترمانه اصرار داشت که نزدیکترین جای مناسب توقف کند تا نماز را اول وقت بخوانیم. بالاخره اصرارش به نتیجه رسید و راننده توقف کرد. او هم نمازش را اول وقت خواند. وقتی سوار ماشین شد پرسیدم: چرا اینقدر به نماز اول وقت اهمیت می‌دهی؟ گفت: من به کسی قول داده‌ام. گفتم: به چه کسی قول داده‌ای که اینقدر برایت مهم است؟!

گفت: من در یکی فرانسه درس می‌خواندم، چند سالی بود که در آنجا بودم. به دلیل اینکه مخارجم زیاد بود و توان مالی نداشتم، مکانی در خارج از شهر اجاره کرده بودم (در یک بخش کوچک) و تا شهری که دانشگاهم در آن قرار داشت فاصله زیادی بود. هر روز با یک اتوبوس به آنجا می‌رفتم. پس از سالها رنج و سختی و تحمل غربت، خلاصه روز موعود فرا رسید، برای فارغ التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را می‌دادم. درسهایم را خوب خوانده بودم.

صبح سوار اتوبوس شدم و پس از چند دقیقه یکباره اتوبوس خاموش شد! راننده پایین رفت و کاپوت ماشین را بالا زد و هر کار کرد نتوانست ماشین را روشن کند. مسافران از ماشین پیاده شده بودند و من هم دلم برای امتحانم شور می‌زد و ناراحت بودم. خیلی تا امتحانم نمانده بود! وسیله‌ی دیگری هم در جاده عبور نمی‌کرد تا با آن بروم! نمی‌دانستم چه کنم! همه‌ی تلاشهای چند ساله‌ام به این امتحان بستگی داشت! خیلی نگران بودم! یکدفعه جرقه‌ای در مغزم ایجاد شد. یاد حرف مادرم افتادم، هنگام سفر گفتم: «پسرم! در کشور غریب اگر به مشکلی برخوردی، به امام زمان علیه السلام متوسل شو». به یاد امام زمان علیه السلام افتادم، دلم شکست و اشکم جاری شد. با خودم گفتم: «آقا جان! من تا حالا نمازهایم را درست حسابتی نخوانده‌ام و پسر خوبی نبودم! اما اگر امروز کمکم کنی تا به امتحانم برسم، قول می‌دهم تا آخر عمرم نمازهایم را اول وقت بخوانم».

چند لحظه بیشتر نگذشته بود که آقایی از دور نمایان شد و به سمت راننده آمد به زبان فرانسوی محلی با راننده صحبت کرد. راننده می‌گفت: هر کار می‌کنم روشن نمی‌شود! او گفت بنشین داخل ماشین، و سپس یک دستی به ماشین زد و گفت: استارت بزن. راننده استارت زد، ماشین روشن شد! همه خوشحال سوار ماشین شدند. من هم با عجله سوار شدم. قبل از حرکت اتوبوس، همان آقا پا روی پله اول اتوبوس گذاشت و رو به من کرد و به زبان فارسی مرا به اسم صدا زد و گفت: «جوان، قولی که دادی یادت نره» و از اتوبوس پیاده شد. تعجب کردم! این چه حرفی‌ست؟! من که او را نمی‌شناسم! او از کجا مرا می‌شناخت؟! «جوان، قولی که دادی یادت نره» ناگهان یاد قول و قرارم و توسلم افتادم. سریع برگشتم و دنبال مسیرش را هرچه نگاه کردم اما دیگر او را ندیدم و تا دانشگاه اشک می‌ریختم.<sup>1</sup>

حالا متوجه شدی چرا اصرار به نماز اول وقتم داشتم؟ عهدی بستم و پای عهدم هستم.

<sup>1</sup> تمنای وصال، ص ۲۱؛ به نقل از میر مهر، ص ۳۴۴. (با کمی ویرایش)

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ؛ از مومنین کسانی هستند که پای عهد خدایی خود هستند ...<sup>۱</sup>

**اگر کسی از شما بپرسد** «به نظرت پای عهد ماندن چقدر مهم است؟!» حتما پاسخ می‌دهید: «خیلی مهم است» بله؛ خیلی مهم است، پای عهد ایستادن منجر به تغییر و تحول در مسیر تاریخ خواهد شد. و امروز از هر روز دیگری نیاز است که در مسائل گوناگون، اهل اقدام و عمل باشیم. در مسائل عبادی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی ... چرا که همه‌ی اینها در اداره‌ی یک حکومت نقش دارند.

**شاید بعضی از ما با شنیدن موضوع «عهد بستن و پای عهد ماندن»** یاد هزاران دعوت برای امام حسین علیه السلام و تنها گذاشتن فرستاده‌اش بیفتیم؛ عهدشکنی و بی‌وفایی کوفیانِ حوالی ۶۰ هجری و تنها گذاشتن مسلم! طبق تاریخ ابن اثیر، هنگام ورود مسلم به کوفه، حدود ۴۰۰۰ نفر دورش جمع شدند و خودشان را به مسلم و اسب او و زین اسبش تبرک کردند! ... اما می‌بینید وقتی جوّ سیاسی کوفه عوض می‌شود، مسلم می‌گوید: مسجدی که همیشه پر از جمعیت بود [نمی‌گوید شراب خورها، عرق خورها، غریبه کیش‌ها، می‌گوید مسجد] دیدم هنگام نماز حدود ۳۰ نفر آمدند! درب مسجد حدود ۱۰ نفر و در نهایت سرکوپه حتی یک نفر هم نماند! همه رفتند! همه مسلمان بودند اما دین نداشتند!<sup>۲</sup> با گفتن شهادتین می‌شود مسلمان شد اما دین‌دار کسی است که به عهد و شهادتینش، لباس عمل بپوشاند.

کجا شد؟ عهد و پیمان را چه کردی؟

امانت‌های چون جان را چه کردی؟

**بزرگترها یادشان هست. چند سال قبل در زلزله بم، تیرهای آهن به آن ضخامت فرو ریخت!** ساختمان‌ها و سازه‌ها در هم شکست! (تصاویر زیادی از زلزله بم به‌جا مانده، ببینید) اما به نخل‌ها هیچ آسیبی نرسید! چون ریشه‌ی آنها محکم و استوار بود. یکی از چیزهایی که منتظران باید در دوران غیبت به آن خیلی دقت داشته باشند همین ریشه است؛ ریشه‌های اعتقاداتمان را که محکم کردیم، آنوقت شاخ و برگها [یا همان مهر و محبت به اولیاء خدا] زیباتر و ماندگارتر خواهد شد.<sup>۳</sup>

**مردم ما و ملت ما در خیلی مسائل وفاداری‌شان را ثابت کرده‌اند.** یاد سردار دلها حاج قاسم سلیمانی بخیر که می‌گفت: ما ملت امام حسینیم، ما ملت شهادتیم ... اما اجازه بدهید قدری به گذشته برویم و برای محکم‌تر شدن پیمان‌مان، تلنگری تکان دهنده‌ای از تاریخ را از عهد و بیعت برایتان بازگو کنم.

<sup>۱</sup> احزاب، آیه ۲۳.

<sup>۲</sup> سلوک عاشورایی، منزل چهارم (دین و دین‌داری)، حاج آقا مجتبی تهرانی، ص ۲۹.

<sup>۳</sup> غایب همیشه حاضر، ص ۲۴. (با کمی ویرایش)

**زمانی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت رسید** و مرکز حکومت را به کوفه منتقل کردند، مردم گروه گروه برای بیعت با ایشان می‌آمدند. از مردم کوفه گرفته که در زمان حضور امام در مدینه امکان بیعت حضوری نداشتند تا مردم یمن. در آن دوران چندین قبیله یمنی در کوفه زندگی می‌کردند و وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به این شهر آمدند، آن‌ها برای بیعت به حضور امام آمدند.

یکی از رویدادهای مهم در ابتدای خلافت امام علی علیه السلام، همین **ماجرای بیعت یمنی‌ها** با آن حضرت بود که عبدالرحمن در رأس آن گروه به خدمت امام رسید و با ایشان بیعت کرد. عبدالرحمان یکی از چهره‌های شناخته شده و مؤثر در آن زمان بود که در میان قبیله‌های یمنی زندگی می‌کرد. او به عنوان یکی از چهره‌های یمنی‌ها بود که با امام علی علیه السلام بیعت کرد. ایشان در زمان بیعت با امام، اظهار علاقه و ارادت به امام داشت.

نقل شده<sup>۱</sup> زمانی که یمنی‌ها برای بیعت با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به خدمت ایشان رفتند، هر کسی یک بار با آن حضرت بیعت می‌کرد. اما وقتی نوبت به عبدالرحمن رسید، آن حضرت سه بار از او بیعت گرفت. به این معنا که یک بار او با آن حضرت بیعت کرد، وقتی خواست از حضرت دور شود امام علی علیه السلام به او فرمودند که بیا و بار دیگر بیعت کن. دوباره او با امام بیعت کرد و باز هم امام برای بار سوم از او بیعت گرفتند.

[پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نوشته: راویان نقل کرده‌اند ابن ملجم نزد امام آمد تا با ایشان بیعت کند، امام دو یا سه مرتبه او را رد کرد، ولی سرانجام با او بیعت کرد. امام از او قول گرفت که ۱- فریبکاری نکند ۲- نیرنگی نکند ۳- بیعت خویش را نشکند. ابن ملجم به امام گفت: ندیدم این کار را با غیر من انجام دهی. امام از او روی برگرداند و پاسخش را نداد. رو به "غزوان" کرد و فرمود: "او را بر مرکب بور سوار کن". سپس امام این شعر را سرود: اُرید حیاتَهُ و یُریدُ قتلَهُ، عَذیرَکَ مین خلیلک مین مُراد<sup>۲</sup>]

عبدالرحمن بن عمرو بن ملجم مرادی معروف به «ابن ملجم مرادی» از این نوع رفتار حضرت تعجب کرد و پرسید که چرا از دیگران یکبار و از من سه بار بیعت گرفتید؟ امام شعری خواندند با این مضمون که «من زندگی او را می‌خواهم اما او اراده کشتن من را دارد ... گمان ندارم به آنچه گفתי وفا کنی» درواقع امام با این جمله به او این پیام را رساندند که بر بیعت خود باقی نخواهی ماند و بیعت شکنی خواهی کرد.<sup>۳</sup>

عهد کرد، بیعت کرد (دست در دست حضرت گذاشت) اما پای بیعتش نماند!

سَالَهَا عَهْدٍ وَفَا بَسَتْ وَلسَى آخِرِ كَارِ  
عَهْدِ بَشَكْسَتْ وَ جَفَارِ كَارِ شَدِ اَفْسُوسِ، اَفْسُوسِ

<sup>۱</sup> مصاحبه خبرنگار فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا، خانم مرتضوی با دکتر محمد حسین رجبی؛ منتشر شده توسط سایت تسنیم.

<sup>۲</sup> سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، به نقل از خزانه الادب، ج ۶، ص ۳۶۰: الاغانی، ج ۱۵، ص ۲۲۸.

<sup>۳</sup> مصاحبه خبرنگار فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا، خانم مرتضوی با دکتر محمد حسین رجبی؛ منتشر شده توسط سایت تسنیم.

**در قدیم میان بعضی آقایان که می‌خواستند مرام و مردانگی خود را ثابت کنند** مرسوم بود وقتی با کسی عهد می‌بستند می‌گفتند: «سیبیل می‌گذارم»، یعنی مرد نیستم پای عهدم نمانم. برادران عزیز، خواهران محترم، برای امام زمان باید سیبیل گذاشت. یعنی با خودت بگو «آقا جان، مرد نیستم پای عهدم نمانم» و پای عهدمان بمانیم.

**جالب است اینکه دعایی داریم که نامش «عهد» است** و جالب‌تر اینکه این دعا ویژه‌ی مردم دوران غیبت امام دوازدهم صادر و توصیه شده: دعایی که اشاره به تجدید بیعت با امام زمان ارواحنا فداه دارد. این دعا از دعاهایی است که تأکید زیادی بر خواندن آن در دوران غیبت امام زمان شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر کس چهل صبح این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه) خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی او را زنده خواهد کرد تا در رکاب ایشان جهاد نماید و به شماره‌ی هر کلمه از آن دعا، هزار حسنه برایش نوشته می‌شود و هزار کار بد از او محو می‌گردد.<sup>۱</sup>

### دعای عهد، برنامه‌ی زندگی است:

توحید و خداشناسی دارد: اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الـ ...  
امام شناسی دارد: اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي  
اشاره به ابعاد جهانی و بین‌المللی دارد: فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا

و بعد می‌رسیم به فرازهای عهد و عقد: عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي [که] لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُزُولُ أَبَدًا  
چقدر این فراز، شبیه این آیه از قرآن است: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ، وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>۲</sup>

برای "عهد و عقد و بیعت" معانی مختلفی گفته شده، شاید چکیده‌ی آنها را اینگونه بشود عنوان کرد که:

عهد یعنی «پیمان اولیه» یا همان پیمان زبانی

عقد یعنی «محکم کردن این پیمان» با تلاش بر تنظیم اعمال و رفتار

و بیعت یعنی «اطاعت خالصانه» دست در دست بیعت شونده گذاشتن و تا پای جان پای آن ماندن لذا «لا حول عنها و لا ازول ابدًا» بیعتی که هیچ‌گاه از آن برنگردم و بر آن استوار باشم. این مرتبه‌ی خالصانه و ویژه‌ی یاری است، و ما در دعای عهد اینها را طلب می‌کنیم. (عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً: مثل اینکه می‌گوید: «اینجا را سنگ‌فرش کن، بعد موکت و سپس قالی بینداز» این نشانه‌ی محکم‌کاری و کیفیت بهتر است).

<sup>۱</sup> بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۸۴.

<sup>۲</sup> احزاب، آیه ۲۳.

به نظر شما مدیریت و حاکمیت یکپارچه‌ی کره‌ی زمین، چند تا مرد عمل لازم دارد؟ از زن و مرد. حتما باید افراد زیادی مطیع ایشان باشند و در عمل کم نگذارند. در زیارت اربعین می‌گوییم: «و نُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ؛ یاریم برای شما آماده است تا خداوند اذن (ظهور) به شما بدهد» نمی‌گوید مرا یار کن، می‌گوید یاریم برای شما همین الآن آماده است.

**عزیزان! پای عهد ماندن تمرین می‌خواهد.** بدون تمرین معلوم نیست وفادار بمانیم. وفاداری را باید تمرین کرد. در جلسه‌ی آینده در این باره بیشتر گفتگو خواهیم کرد ان شاءالله.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

## ۹ ربیع الاول

### (سالروز بیعت با منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از بزرگانی که بارها توفیق تشرف به محضر امام زمان علیه السلام داشتند، حضرت آیت الله بهاءالدینی است. یکی از شاگردانشان می‌گوید: ایشان سالهای سال در قنوت نمازشان آیات نورانی قرآن کریم و دعاهای مرسوم را می‌خواندند تا اینکه ناگهان متوجه شدیم عبارتِ دعای قنوتِ آیت الله بهاء الدینی تغییر کرده و تا دستان مبارکشان را مقابل صورت می‌گیرند، می‌گویند: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ. صَلَوَاتُكَ عَلَيهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً». روزی در محضرشان بودم، فرصت پیش آمد و از تغییر دعای قنوت نمازشان پرسیدم: ایشان فقط یک جمله گفتند، فرمودند: «حضرت پیغام دادند که در قنوت به من دعا کنید»<sup>۱</sup>.

خدا در سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: ... فَاتَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنْتَظِرِينَ؛ پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می‌کشم!<sup>۲</sup> بیش از ۱۱۸۰ سال است که دوازدهمین امام و منجی عالم بشریت، اجازه‌ی ظهور و تشکیل حکومت جهانی اسلامی را از خدا دریافت نکرده! این یعنی هنوز شرایط حکومت عدل الهی فراهم نشده است. امیدواریم ما توفیق زندگی و بندگی صحیح داشته باشیم و دوران با برکت ظهورش در دوران عمر ما محقق شود ان شاءالله، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

### وَ بَطْرٍ مُعْطَلَةٍ ...<sup>۳</sup> و چه بسیار چاه پُر آب که بی صاحب ماندا!

حدیث داریم «بَطْرٍ مُعْطَلَةٍ» چاهی است که آب از آن برداشته نشود! و آن امامی است که غائب باشد که از نور علم او استفاده نمی‌شود تا وقت ظهور.<sup>۴</sup>

**امشب، نهم ربیع الاول است.** اگر به نهم ربیع از منظر آغاز غیبت صغری بنگریم، به شدت محزون خواهیم شد و باید ناله سر دهیم که «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَهُ وَلَيْنَا؛<sup>۵</sup> خدایا به تو شکایت می‌آوریم از نبودن پیغمبر اکرم که درود تو بر او و خاندانش، و از غیبتِ ولیّ و حجتت» ولی اگر این روز را از منظر آغاز امامتِ آخرین امام ببینیم که ظهورش باعث خوشحالی اهل زمین و آسمان است، ما هم قلبمان شاد خواهد شد. با این نگاه، نهم ربیع یکی از روزهای بسیار امیدآفرین و ویژه است.

<sup>۱</sup> راه نشانم بده، ص ۱۲۱ به نقل از میرمهتر، ص ۵۴ (با کمی ویرایش).

<sup>۲</sup> سوره اعراف، بخشی از آیه ۷.

<sup>۳</sup> حج، آیه ۴۵.

<sup>۴</sup> البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۹۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۵.

<sup>۵</sup> دعای افتتاح؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۹، باب ۳۱.

### سه روز مهم، مرتبط با امام زمان علیه السلام است:

روز تولد ایشان (نیمه شعبان)، روز امامت ایشان (همین ایام) و روز ظهور. خدا را شاکریم که در ایام ولادت امام زمان و نیمه شعبان مدتی است جشن و شادی گسترده‌ای در جوامع شیعی برگزار می‌شود. روز ظهور هم که هنوز نیامده، اما نسبت به سالروز امامت ایشان یکی از مسائلی که از اهمیت زیادی برخوردار است «تجدید عهد و پیمان» با ایشان است.

**سوال: مگر اطاعت از پیامبر و امامان علیهم السلام که از سوی خداوند منصوب می‌شوند، نیازمند بیعت گرفتن است؟** جواب: اطاعت کردن، نیازمند بیعت گرفتن نیست؛ واجب است همه مسلمانان امام و برگزیده خدا را اطاعت کنند، حتی اگر بیعت نکرده باشیم هم موظف به اطاعتیم. علت بیعت گرفتن پیامبر از یارانش این بود که این بیعت‌ها یک نوع تأکید بر وفاداری بود. به‌خصوص برای مقابله با بحران‌ها و حوادث سخت از بیعت استفاده می‌شد تا در سایه آن، روح تازه‌ای در کالبد افراد دمیده شود.

**یکی از کارهای حضرت پس از ظهور، همین بیعت گرفتن از یاران است و این بیعت بین رکن و مقام صورت می‌گیرد..** همچنین در روایات فراوانی نقل شده که اولین بیعت کننده با حضرت مهدی علیه السلام «جبرئیل» فرشته مقرب خداست. امام باقر علیه السلام فرمودند: «نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است؛ سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می‌کنند]...»

**به‌صورت کلی نسبت به انجام واجبات و ترک محرمات باید با امام زمان بیعت کنیم** اما به‌صورت خاص، بنده یک عمل مهم را یادآور می‌شوم تا به نیت انجام آن، بیعت کنیم:

**اجازه دهید ابتدا مثالی بزنم:** کسی که می‌خواهد در مسابقات شنا مقام بیاورد باید داخل آب بپرد. کسی که می‌خواهد در مسابقات دو میدانی مقام بیاورد باید بدود. کسی که می‌خواهد در مسابقات وزنه‌برداری مقام بیاورد باید وزنه بردارد. کسی که می‌خواهد در مسابقات خوشنویسی یا نقاشی مقام بیاورد باید قلم به دست بگیرد ...

تمرین هر مسابقه‌ای از جنس همانچه اتفاق خواهد افتاد، است. اگر ما می‌خواهیم در انتظار ظهور حضرت، مقام بیاوریم و از منتظران برتر ایشان باشیم باید تمرینی داشته باشیم از جنس همانچه پس از ظهور محقق می‌شود.

**عزیزان، یکی از مسائلی که پس از ظهور محقق می‌شود «حکومت» است و ما در ضعف یا قوت حکومت نقش داریم.** این را امروز تمرین کنیم. اینکه همت کنیم در حکومت جمهوری اسلامی مؤثر باشیم، برای تاثیرگذاری در حکومت امام، باید تاثیرگذار بودن در حکومت را تمرین کنیم. این مساله، خیلی جدی و واقعی است.



## یک کشور و حکومت، محورهای مختلفی دارد: اقتصاد، معنویت، فرهنگ، سیاست و غیره

در هر زمان، یکی از حربه‌های مهم دشمن استفاده از فشار اقتصادی، علیه یک ملت بوده!

امروز هم در این باره نیاز جدی به بصیرت و اقدام مناسب از سوی ماست.

**اگر یک نگاه کوتاه از صدر اسلام تا به حال** داشته باشیم و با نمونه‌های زیادی مواجه می‌شویم. بنده فقط به

دو نمونه «یکی از صدر اسلام» و دیگری از «زمان حال» اشاره می‌کنم:

• **در سال هفتم بعثت**، وقتی قریش نتوانستند یاران پیامبر را از حبشه بازگردانند و دیدند که اسلام به خارج از حجاز هم نفوذ کرده، با هم مشورت کردند تا راهی برای تسلیم شدن پیامبر و یارانش پیدا کنند. لذا قرار شد عهدنامه‌ای امضاء کنند و پیامبر و مسلمانان را در محاصره قرار دهند، بدین ترتیب که احدی حق نداشته باشد با آنان رفت‌وآمد کند! قریش این عهدنامه را در صندوقچه‌ای درون کعبه گذاشتند.

از آن پس ناگزیر پیامبر و یارانش در بیرون از مکه، در درّه‌ای به نام شعب ابی‌طالب به سر می‌بردند و زندگی آنان در نهایت سختی و ناراحتی می‌گذشت و با این وجود، هرچه دشمن به پیامبر پیشنهاد می‌داد که از دعوت خود دست بردارد تا او را آزاد کنند او نمی‌پذیرفت و تسلیم آن‌ها نمی‌شد. فشار و سختگیری‌ها به حدی رسید که ناله‌ی فرزندان بنی‌هاشم به گوش مشرکان مکه می‌رسید.<sup>۱</sup> ولی در دل آن‌ها تأثیر چندانی نمی‌کرد. جاسوسان قریش در راه‌ها مراقب بودند مبادا کسی آذوقه‌ای به شعب ابی‌طالب ببرد.

سه سال گذشت. پیامبر از جانب خدا آگاه شد که موریانه، عهدنامه قریش را خورده و جز نام خدا از آن چیزی نمانده. ابوطالب این مطلب را در جمع قریش اعلام کرد و آنان قول دادند که اگر گفتار پیامبر راست باشد، دست از محاصره بردارند. سپس به درون کعبه رفتند، دیدند که سخن پیامبر درست بوده و عهدنامه از بین رفته! لذا با اکراه، پیامبر و یارانش را آزاد کردند تا به مکه برگردند.<sup>۲</sup>

• نمونه دیگر در زمان حال که به عینه با آن مواجه هستیم و مشاهده می‌کنیم اینکه دشمنان قسم‌خورده‌ی ایران اسلامی همچنین سالهاست از این حربه برای ضربه زدن و تسلیم کردن مردم غیور ایران تلاش می‌کنند که این تحریم‌ها و محاصره‌ها، به فضل الهی روزی کاملاً از بین خواهد رفت که خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً»<sup>۳</sup>؛ و اگر صبر کنید و پروا پیشه کنید، نیرنگ آن‌ها هیچ‌زبانی به شما نمی‌رساند.

۱. تاریخ و آثار اسلامی در مکه و مدینه، قاندان، ص ۱۱۴.

۲. تاریخ انبیاء؛ از آدم خلیفه الله تا خاتم رسول الله صلی الله علیه و آله، سید مرتضی موسوی، ماجرای شعب ابی‌طالب.

۳. آل عمران، آیه ۱۲۰.

با توجه به فشار دشمنان (چه دشمنان خارجی و چه منافقین داخلی) و تمرکزشان بر ضربه‌ی اقتصادی که معیشت مردم را نشانه گرفته‌اند، امروز بیشترین نیاز کشور در حوزه اقتصاد است. بیاییم بیعت کنیم و از امروز بیشتر از گذشته، به نیت استقلال و تقویت کشور عزیزمان در حوزه اقتصاد، عملکرد مفیدی داشته باشیم.

برای تحول در اقتصاد باید اهل «جهاد» بود

و امروز مهم‌ترین مصداق جهاد اقتصادی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی است.<sup>۱</sup>

**چطور امام** رحمه الله علیه گفت: «سوسنگرد باید آزاد شود» و آزاد شد؛ «مهران باید آزاد شود» و آزاد شد؛ و هیچ‌کس نگفت چه‌طور و با کدام مهمات و ... امروز هم ولی‌فقیه‌ی زمان می‌فرماید: «دغدغه‌ی تان استفاده از کالای ایرانی باشد». در فروردین سال ۱۳۹۳ در حرم مطهر امام رضا علیه السلام فرمودند: «نمی‌گوییم خرید جنس خارجی حرام است، اما عرض می‌کنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاومت‌سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است».<sup>۲</sup>

### به شعار سال ۱۰ سال گذشته (از ۱۳۸۹ تاکنون) دقت کرده‌اید؟

سال ۸۹	همت مضاعف و کار مضاعف
سال ۹۰	جهاد اقتصادی
سال ۹۱	تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی
سال ۹۲	حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی
سال ۹۳	سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی
سال ۹۴	دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی
سال ۹۵	اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل
سال ۹۶	اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال
سال ۹۷	حمایت از کالای ایرانی
سال ۹۸	رونق تولید
سال ۹۹	جهش تولید

چه موضوعی بیشتر از همه مطرح شده؟! ولی‌فقیه‌ی زمان، درد مردم را می‌شناسد، فعالیت دشمنان را هم می‌داند، سالهاست که برای خیر من و شما چه نسخه‌ای پیچیده؟ امام گفت: «سوسنگرد باید آزاد شود» آزاد شد. نشد؟! حالا امروز سالهاست امامان گفته دغدغه‌ی خرید کالای داخل داشته باشید ... بر رشد کشورتان تعصب داشته باشید ...

<sup>۱</sup> بخشی از مطالب این بخش، برگرفته از کتاب «منظومه جهاد» به قلم حجة الاسلام سید حسین راجی می‌باشد.

<sup>۲</sup> بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حرم مطهر امام رضا + ۱/۱/۱۳۹۳.

**چند وقت پیش در تلویزیون، یک خانم ژاپنی** به نام «فاطمه هوشینو»<sup>۱</sup> زن بودایی که به تازگی به اسلام ناب گرویده را نشان می‌داد، که به خاطر علاقه به مقام معظم رهبری منزلش را نزدیک بیت ایشان انتخاب کرده بود تا نمازها را به امامت آقا بخواند. از او سؤال کردند: «چرا با وجود محصولات الکترونیکی ژاپنی باکیفیت، لوازم خانگی ساخت ایران را برای خانه‌تان خریده‌اید؟» او در پاسخ گفت: «به دلیل تقویت اقتصاد کشور شیعی و چون رهبر ایران گفته‌اند استفاده از کالای ایرانی را برای خودتان فریضه بدانید»

او هم می‌داند بعضی کالای ژاپنی مرغوبیتش بیشتر از کالای ایرانی است. ما نمی‌گوییم همه چیز را ایرانی بخرید، بلکه می‌گوییم آن چیزهایی را که می‌شود، لااقل ایرانی بخرید. ایران بعضی چیزها را اصلاً تولید نمی‌کند، اما چیزهایی را که می‌شود استفاده کرد، چرا جنس خارجی می‌خریم؟! از حبوبات، ظروف، خمیردندان، مسواک، برنج، چایی، مواد غذایی، وسیله نقلیه، لوازم یدکی، لوازم منزل ... اگر ما دغدغه‌ی خرید داخل داشته باشیم، با عنایت خدا اقتصاد کشور بسیار سریعتر و بهتر رشد خواهد کرد.

**مردم ژاپن سالها دروازه کشورشان را** به ورود کالای خارجی بستند و اجناس ژاپنی خریدند که در اغلب موارد، نامی جز «بُنْجُل» نمی‌توان بر آن نهاد؛ [اگر کسی وارد کرد هم از او نخریم] همین عزم ملی، آنان را در علم و صنعت به نقطه‌ای رساند که دنیا در برابر آن ناچار به تعظیم شد.

**آیت‌الله مرعشی نجفی** رحمه الله علیه هیچ‌وقت لباس خارجی به تن نمی‌کرد و از خیاط می‌خواستند که با پارچه‌های تولید داخل برایشان لباس بدوزد. آن موقع در ایران دکمه تولید نمی‌شد و خیاط از دکمه خارجی استفاده کرده بود، ایشان از خیاط خواسته بودند که با پارچه، دکمه درست کند. نمونه‌ای از لباس ایشان در کتابخانه مرعشی نجفی قم محفوظ است که با این طریق تهیه شده است.<sup>۲</sup>

**همسر شهید حاج عبدالمهدی مغفوری** - قائم‌مقام رئیس ستاد لشکر ۴۱ ثارالله کرمان - تعریف می‌کند: «روزی به بازار رفتم و یکدست استکان خارجی خریدم. وقتی ایشان آمد و مارک استکان‌ها را دید، خیلی ناراحت شد و گفت: چرا ما نباید تولیدات کشور خودمان را استفاده کنیم و در این شرایط به نظام و انقلاب کمک کنیم؟!»<sup>۳</sup>

طبق آمار، اگر همه‌ی مردم ایران فقط از **مسواک ایرانی** استفاده کنند، نزدیک پنج هزار شغل ایجاد می‌شود و یا اگر همه از **خودکار ایرانی** استفاده کنند، بیش از چهار هزار شغل ایجاد می‌شود.

<sup>۱</sup> «آتسوکو هوشینو» نقطه عطف زندگی‌اش از ماجرای یازدهم سپتامبر کلید خورد؛ دختری که بعد از تشریف به دین اسلام، نام «فاطمه» را برای خود انتخاب کرد. مصاحبه‌های خواندنی او را که در فضای مجازی منتشر شده از دست ندهید.

<sup>۲</sup> گنجینه‌ی شهاب اندر شرح حال حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.

<sup>۳</sup> به روایت همسر شهید؛ کوچه پروانه‌ها، اصغر فکوری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لشکر ۴۱ ثارالله.

خرید کالای خارجی، با این توجیه که بهتر از داخلی است، مثل این است که در فوتبال به جای تیم ملی خودت، از تیم حریف حمایت کنی چون دارد بهتر بازی می کند! مثلاً در بازی ایران و پرتغال، شما پرتغال را تشویق می کردید؟!

**کسانی که امروز ادعای وطن پرستی و میهن پرستی می کنند، اولین چیزی که باید رعایت کنند، استفاده از کالای وطن و میهن است، اما معمولاً استفاده نمی کنند! فقط ادعا می کنند! اگر کسی عاشق ایران است، باید به فکر ایران باشد. اگر عاشق کارگر ایرانی است، باید از کالاهای داخلی استفاده کند. اگر به شما بگویند: «در صورتی که از کالای ایرانی بخری، برادرت یا پدرت را استخدام می کنیم» آیا اقدام نمی کنید؟!**

**بله؛ قابل انکار نیست که حمایت از تولید ملی (یعنی حمایت قانونی، قضایی و اجرایی)، کاهش هزینه تولید و نیز اجبار تولیدکنندگان به افزایش کیفیت، اموری است که به موازات با بیعت مردم به این اقدام، باید پیگیری و اجرایی شود. (البته بیشتر تولیدکنندگان اینگونه هستند که اگر فروششان بالا برود و تمکن مالی پیدا کنند، حتماً کیفیت جنس خود را بالا می برند، مانند من و شما که اگر پول دستمان باشد، کیفیت منزل یا کسب و کارمان را ارتقاء می دهیم).**

**ما در دوران غیبت امام زمان علیه السلام مانند کاروانی هستیم که در سنگلاخ ها، درّه ها و کویرهای خشک و وحشتناک، سالهای زیادی با زحمت حرکت کرده ایم تا خودمان را به «جاده ی بزرگ و آسفالته ی اتوبان» برسانیم، آنگاه حرکت و سرعت بسیار شگفت انگیزی را تجربه خواهیم کرد ان شاء الله ... به عبارتی «این جاده ی اتوبان» را امام زمان (عج) الله تعالی فرجه الشریف) افتتاح خواهد نمود و بشر، تازه طعم زندگی حقیقی را در زمان ظهور خواهد چشید ...**

خدا توفیق اطاعت از امام زمان ارواحنا فداه و اطاعت از نائش<sup>۱</sup> را به همه ما عنایت کند، بیعتی که «لا احوالُ عنها و لا ازلُ أبدا» به هیچ عنوان از آن برنگردیم و تا پای جان در مسیرش بمانیم.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

<sup>۱</sup> در دوران غیبت کبری، نایب خاص نداریم. فقها و زعمای شیعه که اهل بیت علیهم السلام ایشان را با صفات (نه با نام) معرفی کرده اند نائبان عام حضرت مهدی علیه السلام هستند.

## معرفی چند کتاب مرتبط

۱. تاریخ عصر غیبت (نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم علیه السلام)، جمعی از نویسندگان
۲. بیعتی تا همیشه (ویژه نهم ربیع الأول)، محمدرضا نصوری
۳. نهم ربیع الأول (عهدی دوباره با امام زمان علیه السلام)، محمد رضایی آدریانی
۴. دومین غدیر (پژوهشی پیرامون نهم ربیع الأول)، سیدجعفر موسوی نسب
۵. آب را گل نکنیم (تبری و وحدت از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان دینی)، سبحانلو و شاندیزی  
(اگر کسی پیرامون مراسم غلطی با عناوینی چون عیدالزهره و امثال آن سؤال داشت، می‌توانید مطالعه‌ی کتاب «آب را گل نکنیم» را به ایشان پیشنهاد دهید).

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۳. الحر العاملی، اثبات الهداة، مؤسسه‌ی الأعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۴. الحسینی البحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه‌ی البعثه.
۵. المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه‌ی الوفاء.
۶. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات دار الحدیث، قم، ۱۳۸۰ش.
۷. تهرانی، مجتبی، سلوک عاشورای، مصابیح الهدی، تهران، ۱۳۹۱ش.
۸. راجی، سیدحسین، منظومه جهاد، کتابستان ماجد، مشهد، ۱۳۹۷ش.
۹. سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، قم، ۱۳۹۲ش.
۱۰. فکوری، اصغر، کوچه‌ی پروانه‌ها (خاطرات زندگی شهید عبدالمهدی مغموری)، سپاه پاسداران، کرمان، ۱۳۸۸ش.
۱۱. قائدان، اصغر، تاریخ و آثار اسلامی در مکه و مدینه، مشعر، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۲. محمودی، حسن، تمنای وصال، همای غدیر، ۱۳۹۳ش.
۱۳. محمودی، حسن، راه نشانم بده، قلم خانه، ۱۳۹۷ش.
۱۴. مرعشی، سیدمحمود، گنجینه شهاب اندر شرح حال حضرت آبت الله مرعشی، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۸۱ش.
۱۵. موسوی، سیدمرتضی، تاریخ انبیاء از آدم خلیفه‌ی الله تا خاتم رسول الله صلی الله علیه و آله، پرتو خورشید، ۱۳۸۷ش.
۱۶. یوسفیان، محمد، غایب همیشه حاضر، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج و حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱ش.
۱۷. سایت امام خامنه‌ای: <https://www.leader.ir>
۱۸. سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه: <https://hawzah.net>
۱۹. سایت خبرگزاری تسنیم: <https://www.tasnimnews.com>

## ضمیمه

## خلاصه‌ای از کتب زیر پیرامون نهم ربیع الأول

1. نهم ربیع الاول: چرایی، چیستی، چگونگی - عهده‌ی دوباره با امام زمان (حجت‌الاسلام محمد رضایی‌آدریانی)
2. بیعتی تا همیشه (ویژه نهم ربیع الاول روز بیعت با امام زمان) محمدرضا نصوری
3. نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان (عج)، دفتر مجله امان ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
4. دومین غدیر: پژوهشی پیرامون نهم ربیع الاول، عید امامت و ولایت امام زمان (عج) - سیدجعفر موسوی نسب

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى " و ذكرهم بايام الله "

السلام على المهدي الذي وعد الله به الأمم

## 9 ربیع الاول «سال روز بیعت جهانی با منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف»

### مقدمه:

ماه ربیع بهار ماه‌های دوازده‌گانه است چون ولادت خاتم الانبیاء رسول خدا صلی الله علیه وآله در این ماه اتفاق افتاده است<sup>۱</sup> هم چنین سال روز آغاز امامت خاتم الاوصیاء؛ ربیع الانام امام زمان عجل الله فرجه در این ماه واقع شده است. یوم الله نهم ربیع الاول، روز تجدید میثاق با آن امام همام و اهداف و آرمان‌های بلند اوست.<sup>۲</sup> روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری دیگر است.<sup>۳</sup>

اگر نیمه شعبان جشن تولد امید است، نهم ربیع الأول سالروز اقدام برای زیبایی آفرینی و تلاش برای پیوند با زیبایی‌ها یعنی عهد و پیمان و بیعت با امام زیبایی‌هاست، که مایه آرامش انسان و جاذبه آفرینی برای فطرت‌های بیدار خواهد بود.

<sup>۱</sup> المراقبات/ماه ربیع الاول

<sup>۲</sup> هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در جستجوی امام زمان خود بر آمده و به محضرش بار یافتند و بدینسان بیعت خود را اعلام نمودند. (کمال الدین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶) و نیز پس از پیدایش خوارج، شیعیان علی علیه السلام با آن حضرت بیعتی دوباره کردند. (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶).

<sup>۳</sup> بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۴.

اگر به نهم ربیع از منظر آغازگری غیبت صغری بنگریم، به شدت محزون خواهیم شد و باید ناله سر دهیم:

«اللهم ان نشکوا الیک... غیبه ولینا»<sup>۱</sup> ولی اگر آن را از منظر آغاز امامت آخرین ولی معصوم بنگریم که امامتش آغازگر فرایند ایجاد بهشت جهانی ظهور است در آن روز قلبمان شاد است، بدین جهت که امامان و پیامبران معصوم، چشم انتظار میلاد، آغاز امامت و آغاز ظهورش بوده‌اند.

نهم ربیع الاول، همانند و بلکه آینه زمانی و کمال یافته بعثت و غدیر است.

شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالخصوص در این مرز و بوم که شیعه خانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ همت گمارند.

### اهمیت نام گزاری روز نهم ربیع:

ما برای چیزهای ساده روز تعیین می‌کنیم، روز بدون سیگار، روز بدون ترافیک، روز همدردی با معلولان، روز بزرگداشت فلان شاعر؛ کار خیلی خوبی هم است؛ ولی متأسفانه برای این روز که شکرانه امامت و ولایت و بشارت الهی است نامی نداریم! در نیمه شعبان مردم به عظمت آن روز توجه دارند؛ ولی به روز نهم ربیع الاول به عنوان ایام آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام توجه مناسبی نبوده است؛ در صورتی که این روز زمینه خوبی برای توجه دادن مردم به امام زمان علیه السلام است. «سالروز بیعت جهانی با منجی موعود» به نظر نام مناسبی باشد.

### ضرورت احیاء نهم ربیع:

در نگرش شیعی، می‌بایست با آغاز امامت و ولایت هر معصومی، اصل بیعت تکرار گردد.

و آن بیعت هم در شرایط ویژه و در صورت لزوم، تجدید، تأکید و تکرار می‌شود؛

چنان که سیره و منش شیعیان در دوران 250 ساله حضور امامان شیعه این گونه بود.<sup>۲</sup>

به همان دلیلی که باید «غدیر خم» را جشن گرفت و اهتمام ورزید و جایگاه امامت و رهبری امام معصوم را ارج نهاد، آغاز امامت هر امام نیز، چنین است، ولی نسبت به ائمه دیگر چنین رسمی نبوده و معمولاً روز وفات یا شهادت هر امام،

<sup>۱</sup> «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَ غَيْبَهُ وَ لَيْتَنَا وَ شِدَّةَ الرِّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتْنِ بِنَا وَ تَطَاهُرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۹، باب ۳۱.

<sup>۲</sup> در آن زمان به علت دوری راه‌ها و هم چنین غلبه حکومت باطل، تجدید بیعت و عرضه عقائد و اعمال، غالباً در زمان سفر حج و در پوشش آن انجام می‌شد. در فرهنگ روایی شیعه هم احادیثی وجود دارد که فلسفه حج را اجتماع هر ساله مسلمانان برای بیعت با امام زمان خود بیان کرده است؛ به گونه‌ای که اگر چنین نشود، از حج جز طواف سنگ چیزی قسمت حاجیان نخواهد شد. جرعه‌ای از صهبای حج، ص ۵۱ و بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۸۷.

آغاز امامتِ امام بعدی هم هست و در یک فرصت، هم داغ شهادت امام است، هم سرور برای امامتِ جانشین او؛ لیکن درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این مسئله اهمیت خاصی پیدا می‌کند، چون آن امام، هم اکنون زنده است و دوران ما، دوران امامت اوست و آن حضرت، امام عصر ماست و دوران تقیه هم وجود ندارد و از همه مهم تر ما نسبت به او پاسخگو هستیم؛ سوره اسراء خداوند می‌فرماید: «یوم ندعو کل انس بامامهم؛ روز قیامت هر کسی با امام زمانش محشور می‌شود».

برای این که دل‌ها و ذهن‌ها توجه بیشتری به آن حضرت پیدا کند و مسئله امامت در عصر غیبت از یادها نرود و شوق انتظار در دل‌ها برافروخته تر شود، سالروز آغاز امامت آن حجت الهی را یاد می‌کنیم، به خصوص با توجه به شرایط حاضر در جهان معاصر که نسبت به وجود آن حضرت، از سوی دشمنان اهل بیت، تشکیک می‌شود و «مهدی باوری» را زیر سؤال می‌برند، گرامیداشت این روز، تلاش برای ریشه دارتر کردن این باور اسلامی و شیعی در دل‌های اهل ایمان و منتظران ظهور آن حضرت است. بدین جهت، شیعیان امروز هم باید سنت و سیره تجدید بیعت را احیا و فراگیر سازند و بهترین فرصت برای این امر، سال روز بیعت تاریخی شیعیان قمی و ایرانیان با امام زمان خویش در آغاز امامت ایشان است.<sup>۱</sup>

## نهم ربیع در منظر تاریخ:

نهم ربیع الاول در فرهنگ شیعه، به عنوان روز عید مطرح شده است.

در گزارش‌های تاریخی، یادکرد این عید شیعی را در کتاب النقص نوشته عبدالجلیل رازی (متوفی 560 ه. ق) و کتاب ابن ادریس حلی (متوفی 598 ه. ق) و سید بن طاووس (متوفی 664 ه. ق) می‌توان یافت.

از جهت فقهی هم علمای شیعه در کتاب‌های حدیثی فقهی و در فصل برشماری غسل‌های مستحب، یکی از آن‌ها را غسل عید نهم ربیع الاول برشمرده‌اند.<sup>۲</sup>

آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر تاریخی، دستاوردهای زیر را به همراه داشته است:<sup>۳</sup>

انفعال همیشگی ابلیس و ابلیسیان در برابر رهبری معصوم

مدیریت غائبانه بشر از سوی امام معصوم به سوی بهشت ظهور

بسترسازی برای بلوغ تدریجی جامعه حق و مسئولیت‌پذیری تاریخی آن‌ها برای زمینه‌سازی ظهور

<sup>۱</sup> (کمال الدین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶)

<sup>۲</sup> به عنوان نمونه، رک: عروة الوثقی، باب غسل‌های مستحبی؛ وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۲۴ و اکثر رساله‌های عملیه مراجع شیعه.

<sup>۳</sup> البته این سخن به معنی نفی یا غفلت از حزن غیبت (نشکوا البک... غیبة ولینا) نیست؛ ولی در مقام تحلیل تاریخی آن باید نگاهی جامع به ابعاد حزن و شادی این روی داد داشت و همانند عید غدیر از ابعاد شادی و امیدآفرین آن غافل نشد.



## اتفاقات نهم ربیع 260 قمری:

در هنگام آغاز امامت، امام دو حضور علنی دارد؛

یکی به هنگام نماز بر پیکر پدر در حضور شیعیان عراق، و دیگری کمی بعد، در حضور شیعیان قم.

در هفته آغازین امامت، با ورود کاروانی از قمی‌ها به سامرا، ایشان آخرین دیدار رسمی اش را با آنان انجام داد. علت اهمیت آن دیدار، بدین جهت است که اکثر افراد حاضر در آن گروه، از خواص شیعیان قم بودند و ایمان یا تردید آن‌ها می‌توانست ایمان یا تردید تمام شیعیان قم را به همراه داشته باشد. لذا امام همان گونه که در ماجرای نماز، باعث طمأنینه شیعیان عراقی شد در این دیدار، موجبات اطمینان و ثبات قدم شیعیان ایرانی را نیز فراهم کرد.

### دیدار با قمی‌ها:

علی بن سنان موصلی گوید: پدرم گفت: «چون آقای ما ابومحمد، حسن بن علی علیهما السلام درگذشت، از قم و بلاد کوهستان (مناطق غربی ایران) نمایندگانی که معمولاً وجوه و اموال را می‌آوردند، جمع شدند و قصد سامرا کردند. ما خبر از درگذشت امام حسن علیه السلام نداشتیم و چون به سامرا رسیدیم از امام حسن علیه السلام پرسش کردیم. به ما گفتند که وفات کرده است. اهل کاروان گفتند: «وارث او کیست؟» گفتند: «برادرش، جعفر بن علی». آنگاه از او پرسش کردند، گفتند که او برای تفریح بیرون رفته و سوار زورقی شده است، شراب می‌نوشد و همراه او خواندگانی هم هستند! اهل کاروان با یک دیگر مشورت کردند و گفتند: «این‌ها از اوصاف امام نیست»، و بعضی از آن‌ها می‌گفتند: «بازگردیم و این اموال را به صاحبانشان برگردانیم».

در آن میان ابوالعباس محمد بن جعفر حمیری قمی گفت: «بمانید تا این مرد بازگردد و او را به درستی بیازماییم». چون بازگشت به حضور وی رفتیم و بر او سلام کردیم و گفتیم: «ای آقای ما! ما از اهل قم هستیم و گروهی از شیعیان و دیگران، همراه ما هستند و ما نزد آقای خود، ابومحمد حسن بن علی اموالی را می‌آوردیم». گفت: «آن اموال کجاست؟» گفتیم: «همراه ماست». گفت: «آن‌ها را به نزد من آورید». گفتیم: «این اموال داستان جالبی دارد». گفت: «آن داستان چیست؟» گفتیم: «این اموال از عموم شیعه یک دینار و دو دینار گردآوری می‌شود، سپس همه را در کیسه‌ای می‌ریزند و بر آن مهر می‌کنند و چون این اموال را نزد آقای خود ابومحمد علیه السلام می‌آوردیم، می‌فرمود که همه آن‌ها چند دینار است و هر کس چند دینار داده است و نام همه آن‌ها را می‌گفت و نقش مهرها را هم می‌فرمود». جعفر گفت: «دروغ می‌گویید. شما به برادرم چیزی را نسبت می‌دهید که انجام نمی‌داد. این علم غیب است و کسی جز خدا آن را نمی‌داند».

اهل کاروان چون کلام جعفر را شنیدند، به یک دیگر نگریستند. جعفر گفت: «آن مال را نزد من آورید». گفتیم: «ما مردمی اجیر و وکیل صاحبان این مال هستیم و آن را تسلیم نمی‌کنیم مگر به همان علاماتی که از آقای خود حسن بن علی می‌دانیم. اگر تو امامی، بر ما روشن کن و الا آن‌ها را به صاحبانش بر می‌گردانیم تا هرکاری که صلاح می‌دانند بکنند».

جعفر به نزد خلیفه که در آن روز در سامرا بود رفت و علیه ما شکایت کرد. خلیفه ما را احضار نمود و گفت: «آن مال را به جعفر تسلیم کنید». گفتیم: «خدا امیرالمؤمنین را به صلاح آورد، ما گروهی اجیر و وکیل این اموال هستیم و آن‌ها سپرده مردمانی است و به ما گفته‌اند که آن را جز با علامت و دلالت به کسی ندهیم، و با ابومحمد حسن بن علی<sup>۱</sup> علیهما السلام نیز همین عادت جاری بود». خلیفه گفت: «چه علامتی با ابومحمد داشتید؟» گفتیم: «دینارها و صاحبانش و مقدار آن را گزارش می‌داد، و چون چنین می‌کرد آن‌ها را تسلیم می‌کردیم. ما مکرر نزد او می‌آمدیم و این علامت و دلالت ما بود و اکنون او درگذشته است. اگر این مرد، صاحب الامر است بایستی همان کاری را که برادرش انجام می‌داد، انجام دهد و الا آن اموال را به صاحبانش برمی‌گردانیم».

جعفر گفت: «ای امیرالمؤمنین! اینان مردمی دروغگو هستند و بر برادرم دروغ می‌بندند و این علم غیب است». خلیفه گفت: «این‌ها فرستاده و مأمورند؛ و ما علی<sup>۲</sup> الرسول<sup>۱</sup> إلا<sup>۲</sup> البلاغ<sup>۱</sup>». جعفر مبهور شد و نتوانست پاسخی بدهد.

اهل کاروان گفتند: «امیرالمؤمنین بر ما منت نهد و کسی را به بدرقه ما نفرستد تا از این شهر بیرون رویم» و چون از شهر بیرون آمدیم، غلامی نیکومنظر که گویا خادمی بود به طرف ما آمد و ندا می‌کرد: «ای فلان بن فلان! ای فلان بن فلان! مولای خود را اجابت کنید». گفتیم: «آیا تو مولای ما هستی؟» گفت: «معاذ الله! من بنده مولای شما هستم، نزد او بیایید». ما به همراه او رفتیم تا آن که بر سرای مولایمان، حسن بن علی<sup>۱</sup> علیهما السلام وارد شدیم و به ناگاه، فرزندش، آقای ما، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدیم که بر تختی نشسته بود و مانند پاره ماه می‌درخشید و جامه‌ای سبز در برداشت.

بر او سلام کردیم و او پاسخ ما را داد. سپس فرمود که همه مال چند دینار است و چند دینار از فلانی و چند دینار از فلانی است و بدین سیاق همه اموال را توصیف کرد. سپس به وصف لباس‌ها و اثاثیه و چهارپایان ما پرداخت و ما برای خدای تعالی به سجده افتادیم که امام ما را به ما معرفی فرمود و بر آستانه وی بوسه زدیم و هر سؤالی که خواستیم از او پرسیدیم و او جواب داد. آن گاه اموال را نزد او نهادیم و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود که بعد از این مالی را به سامرا نبریم؛ چراکه فردی را در بغداد نصب می‌کند<sup>۱</sup> که اموال را دریافت کند و توقیعات از نزد او خارج شود. از نزد او بیرون آمدیم و او به ابوالعباس محمد بن جعفر قمی حمیری مقداری حنوط و کفن داد و به او فرمود: «خداوند تو را در مصیبت خودت اجر دهد». ابوالعباس به گردنه همدان نرسیده، درگذشت و بعد از آن، اموال را به بغداد و نزد وکلای منصوب او می‌بردیم و توقیعات نیز از نزد آن‌ها خارج می‌گردید.<sup>۲</sup>

نکته مهمی که در این گزارش وجود دارد، این است که در شرایطی که امام در تقیه شدید بود و حضورش برای اقامه نماز بر پیکر پدر نیز بسیار کوتاه بود و یکی از بانوان منزل امام عسکری علیه السلام که به احتمال زیاد، مادر امام بود دستگیر شده بود و تمام نیروهای نظامی و انتظامی و اصناف شهر سامرا بسیج شده بودند تا ردی از جانشین احتمالی امام عسکری علیه السلام بیابند، امام غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف عنایت ویژه‌ای به دیدار با قمی‌ها و ایرانی‌ها داشته است.

<sup>۱</sup> عثمان بن سعید.

<sup>۲</sup> ترجمه کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۲۶.

## تجدید بیعت در روز نهم ربیع:

در این روز، آن چه بیشترین ارتباط را با نهم ربیع دارد، مسأله تجدید بیعت است.

از نکات جالب در تجدید بیعت که در ادعیه آمده، کلمات سه گانه «عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً» است.

عهد یعنی «پیمان زبانی»، عقد یعنی «پیمانی که گره خورده و محکم شده باشد» و بیعت یعنی «دست دادن برای عهد و پیمان تا پای جان».

در دعای عهد، عبارت «أَجَدَّدُ» وجود دارد که از «جَدَّدَ» به معنی «تَجَدَّيْدًا الشَّيْءَ»، چیزی را نو کردن، چیزی را زنده کردن و به چیزی نیرو و نشاط بخشیدن است.<sup>۱</sup>

معنای این عبارت در این ادعیه، آن است که بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نظر به پیوستگی دوران امامت آن حضرت و خصوصاً پیوستگی دوران غیبت و طولانی شدن آن، می‌بایست همواره نو و تازه و جدید شود تا از کهنگی و روزمرگی و کم رنگی دور گردد.

واژه «بیعت» واژه‌ای عربی است از ریشه «بیع» به معنای خرید و فروش؛ اما بیعت کردن به معنای این است که دو طرف خرید و فروش، به نشانه تمام شدن معامله و تسلیم، کف دست راست خود را بر هم می‌زنند.

وقتی شخصی با کسی بیعت می‌کند، به این وسیله، فرمانبرداری خود از آن شخص و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او را نشان می‌دهد؛ همچنین حاضر می‌شود تا پای فدا کردن جان و مال و فرزند، در راه اطاعت او بایستد.

قرائن نشان می‌دهد که بیعت از نوآوری‌های مسلمانان نیست؛ بلکه سنتی بوده که پیش از اسلام هم در میان عرب رواج داشت؛ رسم بیعت برای پذیرش رئیس قبیله یا انتصاب یک فرد به منصبی مهم متداول بوده است.<sup>۲</sup>

به همین دلیل در آغاز اسلام - که طایفه «اوس و خزرج» در ایام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه بیعت کردند - برخورد آنها با مسئله بیعت، آشنا بود؛ بعد از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فرصت‌های مختلف با مسلمانان تجدید بیعت کرد؛ نخستین بیعت در سیره نبوی، بیعت حضرت علی و حضرت خدیجه سلام الله علیهما با آن حضرت پس از قبول اسلام است.

بیعت در "یوم الدار" بیعت رضوان<sup>۳</sup>، بیعت زنان در سال ۸ هجرت<sup>۴</sup> از جمله بیعت های زمان پیامبر اسلام بوده است.

<sup>۱</sup> فرهنگ ابجدی، ص ۲۹۰ و لسان العرب، ج ۳، ص ۱۱۲، ذیل واژه جدد.

<sup>۲</sup> شهیدی بیعت و چگونگی آن در تاریخ اسلام ص ۱۲۵ به نقل از بیعتی تا همیشه، نصوری.

<sup>۳</sup> آیات ۱۰ و ۱۸ سوره فتح به این بیعت اشاره شده است.

<sup>۴</sup> سوره ممتحنه آیه ۱۲.

آخرین بیعت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بیعت مسلمانان با امیرالمومنین علیه السلام؛ در سال دهم هجرت در محلی با نام غدیر خم بوده است. رسم بیعت بعد از رحلت پیامبر اکرم ادامه داشت اگر چه در بیشتر موارد بیعت با خلفای ظالم به اجبار صورت می‌گرفت.

آنچه به ذهن می‌رسد آن است که باید امامی در جمع حاضر باشد تا ما بتوانیم با ایشان بیعت کنیم؛ ولی در این شرایطی که امام از نظرها غایب است، چطور بیعت معنا پیدا می‌کند؟

اگر در معنای بیعت دقت کنیم، در می‌یابیم که همین حالا هم بیعت با امام زمان معنا دارد؛ مگر نه این است که در بیعت باید بر وفاداری با شخص بیعت شونده تأکید کنیم و این پیام را به او بدهیم که مطیع امر شما هستیم و سعی می‌کنیم رضایت شما را تأمین کنیم؟

همه این موارد در این زمانه غیبت هم عملی است. می‌توانیم بیعت کنیم که یکی از کارهای زشتان را ترک کنیم و یا یک کار مثبتی را انجام دهیم و به همین شکل می‌توانیم درباره هزاران کار دیگر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت کنیم که در جهت آنها تلاش کنیم؛ پس بیاییم یکبار دیگر با امام زمانمان تجدید بیعت و اظهار وفاداری کنیم، باشد که از یاران واقعی ایشان باشیم و چه خوب است که این بیعت را همه ساله در روز نهم ربیع تجدید و این امر را به سنتی مستمر تبدیل کنیم.

در طول تاریخ بیعت با وکیل یا نایب خاص صورت می‌گرفته است بیعت زنان با امام علی به نیابت از پیامبر علیهما السلام در حدیبیه<sup>۱</sup>؛ و بیعت مردم کوفه با مسلم بن عقیل به نیابت از امام حسین علیه السلام از جمله این موارد است..

در عصر غیبت هم می‌شود با نایب عام (ولی فقیه) امام عصر عجل الله فرجه هم بیعت کرد.

مناسب است به بیعت نامه‌ای از شهید آوینی با مقام معظم رهبری اشاره کنیم: ما با حضرت تعالی به عنوان وصی امام امت و نایب امام زمان عجل الله فرجه تجدید بیعت کرده‌ایم و تا بذل جان در راه اجرای فرامین شما ایستاده‌ایم و ...

### چند سؤال یا شبهه پیرامون نهم ربیع:

۱. آغاز امامت، بعد از شهادت امام قبلی است. سیره اهل بیت علیهم السلام در این مورد چگونه بوده است؟

اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسبت شهادت امام قبلی، محزون بوده‌اند. شیعیان نزد امام جدید می‌آمدند و ابتدا شهادت امام قبلی را تسلیم می‌گفتند و سپس با امام جدید بیعت می‌کردند. امام علیه السلام با تعابیر مختلف به اینها می‌گفتند خوشحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده‌اند و امام بعدی را شناخته‌اند و مثلاً هفت امامی نامنده‌اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا علیه السلام که سرآغاز دوازده امامی شدن شیعه است؛ یعنی ما هفت امامی و شش امامی داریم، اما هشت امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا علیه السلام را پذیرفته است بقیه ائمه را هم قبول

<sup>۱</sup> ارشاد مفید، ص ۶۳.

کرده و دوازده امامی شده است. البته اهل بیت علیهم السلام در یک فضای حزنی زندگی می‌کردند و می‌فرمودند بنی امیه برای ما عید نگذاشتند؛ بنابراین سیره آنها بیشتر به تسلیت و حزن متمایل بوده است.

این شیوه حتی امروز معمول است که وقتی رهبر یک مجموعه از دنیا می‌رود و پس از او شخص دیگری جانشین می‌شود اگر این جایگزینی از قبل تدارک دیده شده باشد بلافاصله فرد جدید به عنوان رهبر، شناخته شده و طبق آداب و رسوم آن جامعه به وی تهنیت می‌گویند و چه بسا در سال‌های بعدی آن روز را گرامی می‌دارند.

2. آیا این نهم ربیع را در مقابل آن نهم ربیع درآورده‌اند؟!

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلاً حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفه دوم در اواخر ذی الحجه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفه دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پررنگ تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد غفلت واقع شود؛ البته دست‌هایی در کار است؛ دست‌هایی که می‌خواهند وحدت را برهم بزنند؛ وگرنه کسانی که در نظام ما دم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین گر ولایت بوده‌اند. (در این باره بحث مفصلی در کتبی مانند «آب را گل نکنیم» آورده شده است).

3. آیا بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل بیت علیهم السلام اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می‌رسید، شیعیان نزد امام بعدی می‌آمدند و عرض ارادت می‌کردند و ضمن عرض تسلیت شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می‌کردند؛ حتی امامان قبل از شهادت، برای امام بعد از خود نیز از مردم بیعت می‌گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در غدیر خم نسبت به حضرت علی علیه السلام از مردم بیعت گرفتند و فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، بعد دستور دادند که همگان بر قبول ولایت و وفاداری نسبت به آن با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کنند، به نقل تاریخ سه شبانه روز طول کشید تا همگان توانستند با علی علیه السلام بیعت کنند؛ حتی خانم‌ها هم با قرار دادن دستشان در ظرف آبی با آن حضرت بیعت کردند و یا پیامبر فرمود: «سَلِّمُوا عَلٰی عَلِيٍّ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ به حضرت علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید».

گاهی وقت‌ها پیامبر یا امام، نسبت به امام بعدی، از افراد عهد و پیمان خصوصی و عمومی می‌گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و پیمان و بیعت می‌گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه علیهم السلام هم برای امامت خودشان از مردم بیعت مجدد می‌گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می‌شدند. روایاتی که «انشدکم الله» دارد به این موضوع برمی‌گردد.

حضرت علی علیه السلام چند بار متذکر بیعت می‌شوند؛

امام حسین علیه السلام نیز یک سال پیش از واقعه عاشورا در منی، یادآور بیعت می‌شود و وقتی امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام از مردم می‌خواهند و جواب نمی‌دهند، آنها را نفرین می‌کنند. «انشدکم الله»، شما را به خدا قسم می‌دهم که شما نبودید که پیامبر فرمود: «اولی بکم من انفسکم»؟ چهار پنج تا از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گویند ما پیروان شدیم و یادمان نمی‌آید که حضرت آنها را نفرین می‌کند.

## وظایف در نهم ربیع:

به صورت کلی می‌شود به این موارد اشاره کرد:

### 1. در رابطه با خود

آرایش و پیرایش ظاهر و باطن و آشکار شدن در بهترین سیرت و صورت، بر مبنای اصول زندگی دینی و تعالیم آن

### 2. در رابطه با خداوند

شکر نعمت ولایت و تولی با عبادات نشاط آفرین، همانند سجده، نماز شکر، تلاوت قرآن و روزه

### 3. در رابطه با معصوم (صاحب عید):

ابراز مودت و محبت با انجام زیارت (آل یس)

تجدید عهد و پیمان (خواندن دعای عهد در صبح روز نهم ربیع)

هدیه‌ی تلاوت قرآن و دیگر عبادات به آن معصوم

صدقه به نیابت از آن معصوم

احیا و پاسداشت اجتماعی و یادکرد معصوم در آن روز

### 4. در رابطه با خانواده و بستگان:

ایجاد فضای شاد در خانه و برگزاری جشن خانوادگی

### 5. در رابطه با دوستان و مؤمنان:

اهتمام به حقوق ایمانی و شهروندی چون ایثار و انفاق برای بهبود نشاط اجتماعی

همیاری در برپایی مراسم اجتماعی با مشارکت دیگر مؤمنان (شعرخوانی، پخش تنقلات، اهداء اقلام فرهنگی)

## خاتمه:

در اینجا برخی عهدها و پیمان‌های خود نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنین به زمینه‌ها و ریشه‌های آن (معرفت و محبت) و جایگاه و پی آمدهای آن (تبعیت و اطاعت) اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت و به ترتیب از معرفت، محبت، ولایت، عهد و اطاعت، گفتگو خواهیم کرد، شاید بتوانیم با استعانت از ذات ربوبی<sup>۱</sup> به انجام آن‌ها موفق شویم.

### ۱. معرفت امام

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست؛ «عارفاً بحقه»<sup>۲</sup> زیرا امام از ما به ما و مصالحمان آگاهتر و نسبت به ما از خود ما مهربانتر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است. ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق این چنین امامی آثار زیانباری همچون چشم پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی و هلاکت را در پی دارد:

کسی که در چهار چیز شک کند، به همه آن چه که خداوند آن را نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آن‌ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که داراست، بشناسد.<sup>۳</sup>

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.<sup>۴</sup>

بارالها! حجت خود را به من بشناسان و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد.<sup>۵</sup>

سلام بر تو ای راه خدا! که هر کس غیر آن را رود، هلاک می‌شود.<sup>۶</sup>

کسانی که اضطرار به ولی را این گونه احساس کرده‌اند، می‌توانند به محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأخر نجات یابند، که: «المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق»<sup>۷</sup>، «فمعکم معکم لامع غیرکم»<sup>۸</sup> و از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند: «الذین بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام»<sup>۹</sup>.

<sup>۱</sup> «و اعنا علی تأدیه حقوقه الیه»؛ (مفاتیح الجنان، دعای ندبه).

<sup>۲</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹.

<sup>۳</sup> بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۵.

<sup>۴</sup> همان، ج ۲۳، ص ۳۰۰.

<sup>۵</sup> همان، ج ۵۲، ص ۱۴۶.

<sup>۶</sup> مفاتیح الجنان، دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف و این یعنی امام نه یک راه که تنها راه است.

<sup>۷</sup> مصباح المتبجح، ص ۳۶۱.

<sup>۸</sup> مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

<sup>۹</sup> همان، زیارت عاشورا

## 2. محبت

محبت، ادامه معرفت است.<sup>1</sup>

با درک اضطراب به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می‌نشیند و عشق به او که عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست در قلب آدمی ریشه می‌گستراند. بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست.

آنچه می‌تواند بر این محبت بیفزاید، درک این نکته است که این محبت یک‌طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است.

این‌گونه نیست که فقط من امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حتی از من به من مهربانتر است؛ چون همان طور که اشاره شد، علاقه من به خودم غریزی است، ولی علاقه امام به من غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است و بر اساس سعه وجودی او و برخاسته از معرفت شهودی و وجودی اوست. همین است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربانترم.<sup>2</sup>

آن‌ها در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهناک هستند.<sup>3</sup> بارقهٔ چنین عشقی است که انسان را به طلب و دعا و انس و نجوای با امام می‌خواند و به تویی و تبری می‌کشاند و او را و می‌دارد که داعی باشد و دیگران را به امام دعوت کند و در این راه استقامت داشته و از هیچ نهراسد.

## 3. ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می‌رسیم.

ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است، یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه.

این ولایت است که رکن رکین، اساس دین، کلید و گشایش‌گر و راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است.<sup>4</sup> این ولایت است که اگر کسی تمام شب‌ها به نماز بایستد، همه روزها روزه باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگذارد، اما ولی زمان خود را نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و از اهل ایمان نخواهد بود.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> «الحبُّ فرع المعرفة»؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸).

<sup>2</sup> بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

<sup>3</sup> همان، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

<sup>4</sup> اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

<sup>5</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴.



باید تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفت و از او خط گرفت: ای مولای من! راضی و خوشنودم به پیشوایی و هدایت و سرپرستی و راهبری تو و به جای تو احدی را نمی خواهم و جز تو کسی را ولی و سرپرست خود نخواهم گرفت.<sup>۱</sup>

البته این معنای از ولایت، نه نفی و مسخ انسان است و نه با هویت و انسانیت او در تعارض که با انتخاب انسان همراه است، زیرا به آگاهی بیش تر و به رحمت واسع حق و محبت و عنایت او دست یافته است. به راستی کسانی که هوسها و رؤیاهای خود را حاکم کرده اند و از پشتوانه های معرفت و محبت برخوردار نیستند و یا در کوره بلا و امتحان آبدیده نشده اند، تحمل ولایت و حاکمیت امام را ندارند.

#### 4. عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می شود، زیرا عشق و ولایت بدون عهده داری و مسئولیت پذیری، هوسی بیش نیست. ای اباخالد! فتنه هایی چون شب تار فرا خواهد رسید. تنها کسانی از آن فتنه ها نجات خواهند یافت که خداوند از آنان پیمان گرفته باشد. آنان چراغ های هدایت و چشمه های علم هستند و خداوند آن ها را از هر فتنه تاریکی نجات خواهد داد.

"وجعلنا ممن تنصر به لدینک و تعز به نصر ولیک؛ و لاتستبدل بنا غیرنا"<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

<sup>۲</sup> دعای امام رضا برای حضرت صاحب الامر، مفاتیح بعد از دعای عهد